

کتاب‌ووق

جیمز وب، کاغذ، مهریه!

«الو! صدا می‌آد؟ آهان! یه لحظه

فکر کردم قطع شد. ببین! طبق

قانون بقای پول، وقتی جیب

یکی لاغر می‌شه، یعنی جیب

یکی دیگه، شکم داده! حالا

حکایت همین بازار کاغذ؛ از

این ازدهای هزار و یک سر،

به سرش کاغذفروش‌ها هستند و به سرش، خیر سمرن

ما ناشرها!

اون می‌کشه رو کاغذ، ما می‌کشیم رو کتاب.

بکش بکشه؛ ولی کشیدن ما کجا، کشیدن اون‌ها

کجا؟! اون‌ها کم کمش تا جایی که دوربین «جیمز

وب» نشون داده می‌کشد بالا ولی سقف کشش ما،

زنبیل فرهنگی خانواره! ما نمی‌تونیم زیاد بکشیم؛

پاره می‌شه!

کاغذه دیگه! چی؟ چرا اون سر پاره نمی‌شه؟! می‌تونی برو

پاره شون کن! طبق قانون سوم نیوتن، مافیا رو نباید پاره

کرد. ما همین الانش هم... بگذریم. کوتاه بیا شر بخواه!

ببین! ملت اگه کتاب نخوندن چیزیشون نمی‌شه، ولی

من و تو اگه چاپ نکنیم، باید بشینیم به مگس‌ها پرواز

یاد بدیم و سوءتغذیه غازها رو برطرف کنیم! چاره چیه؟

آشغال! فحشت ندادم که!

دارم می‌گم آدم وقتی پولش به خرید یه چیزی که از

نون شب براش واجب‌تره نمی‌رسه چه‌کار می‌کنه؟ یا

دزد می‌شه یا بجنل و آشغالش رو می‌خره. من و تو که

علی‌الحساب دزد نیستیم چی هستیم؟!

آشغال خرا! همین که همین کاغذ چرت‌ها یا به قول

کارشناسان امر، نامرغوب‌ها رو ریخته‌اند کف بازار

و هنوز به کف دست کاغذ پیدا می‌شه، برو خدات

رو هم شکر کن. به قول شاعر: شکر آشغال، چاپ تو

افزون کند!

اصلا بیا این جوری به قضیه نگاه کن؛ ملت یه کتاب رو

مگه چندبار می‌خوندن؟ یه عده که می‌خرند و از صفحه

عنوان و شناسنامه کتاب جلوتر نمی‌روند؛ اون‌هایی

هم که دیوونه یه نویسنده‌اند، حواسشون به این

چیزها نیست!

کتاب طرف رو روی هرکاغذی چاپ کنی، بادرد و خونریزی

هم که شده می‌خوندن. اگه کتاب درسی و کنکور باشه

هم که به بارمصرفه. اگه هم یارو کنکور قبول نشد و قرار

شد دوباره بخونه، حقشه! حیف کاغذ مرغوب که خرج

یه مشت بیسواد بشه!

ببینم! مگه نمی‌گن قدیمی‌ها با نور چراغ نفتی کتاب

می‌خوندن؟! اون هم روی پوست جک و جونور؟! حالا

این‌ها هم می‌تونند بعدا به نوه‌هاشون بگن که ما روی

آشغال، کتاب می‌خوندیم!

بیا تعارف رو بذاریم کنار؛ خودمون که می‌دونیم کجا چه

خبره! بی‌زینسه و فعلا اون‌ها سوار این خر کاغذی‌اند.

اون وقتی که چاپ چاپ مستونمون بود باید فکر

اینجاهاش رو می‌کردیم که نکردیم.

ببین کی گفتم؛ با این دست فرمون، یه روزی میاد که توی

حراج تهران، کاغذ سفید می‌فروشند! یا بانک مرکزی، به

جای چاپ اسکناس، کاغذ سفید می‌ده دست مردم!

یا کاغذ می‌شه یکی از چیزهای توی مهریه‌ها! الو!

صدا می‌آد؟!



رضا احسان‌پور

شاعر و طنزپرداز

دایره مینا سه ساله شد آرزوی تبدیل شدن به بزرگترین مرکز تبادل محتوا در خاورمیانه

ما با ۳ برند در خاورمیانه مشغول فعالیت هستیم. ۴۰ لاین اصلی کار دایره مینا، خرید و فروش رایت، تولید محتوا، بازاریابی کتاب فیزیکی و خدمات تصویرگری است.

در بخشی از این مراسم هم فرهنگ‌نیا، مدیر انتشارات چاپ عصر در مورد لزوم و اهمیت خرید کپی‌رایت آثار خارجی برای انتشار در داخل کشور صحبت کرد و گفت: بی‌میلی سیستم قضایی کشور ما به کپی‌رایت برای من عجیب است. ناشران خارجی باید از وضعیت تیراژ و فروش کتاب در کشور ما اطلاع داشته باشند و دایره مینا این کار را به خوبی انجام داده است.

معروفی، مدیر اقتصادی و بازاریابی دایره مینا نیز به ۱۱۰۰ روز فعالیت این آژانس ادبی اشاره کرد و گفت دایره مینا در ۲۳ رویداد بین‌المللی شرکت کرده است و تیمی ۱۰ نفره با سه ملیت و ۵ زبان زنده دنیا دارد.

دایره مینا اشاره کرد و افزود: آژانس ادبی در زمینه ترجمه، اقتباس، تجاری‌سازی، کتاب الکترونیک و کتاب صوتی فعالیت می‌کند. قبلاً چیزی به نام توزیع‌کننده در صنعت نشر وجود نداشت اما الان از اولین کلیدواژه‌ها در بین ناشران، توزیع و پخش است و ما این مسأله را در سطح بین‌المللی پیگیری می‌کنیم.

مدیر آژانس ادبی دایره مینا تصریح کرد: آژانس‌های ادبی توزیع‌کنندگان محتوا هستند و مثلاً آلمان ۱۱۰ آژانس ادبی دارد. همین نیاز بود که تعدادی از ناشران داخلی درخواست داشتند آژانس ادبی را در داخل راه‌اندازی کنیم. پیش از این ۱۴ آژانس ادبی در ایران داشتیم که فقط شش آژانس باقی مانده‌اند. اوایل وزارت ارشاد حمایت‌های مالی جذابی می‌کرد اما احتمالاً نبود مدل اقتصادی به حذف این آژانس‌ها منجر شد.

ذو‌علم گفت: در خاورمیانه ۲۵ آژانس ادبی فعال داریم و



سومین سالگرد تولد آژانس ادبی دایره مینا با حضور جمعی از ناشران، نویسندگان، مترجمان و تصویرسازان در خانه اندیشه‌ورزان ایران برگزار شد.

احمد ذو‌علم مدیر آژانس ادبی دایره مینا در این نشست صمیمی به تشکیل ایده اولیه تأسیس این آژانس ادبی در خرداد ۹۸ اشاره کرد و گفت: می‌خواستیم کاری کنیم که هم نیاز باشد و هم بتوانیم با قوت آن را ادامه بدهیم؛ لذا طی سه ماه با ۸۰ نفر مشورت کردیم و شهریور همان سال، کار را آغاز کردیم. وی افزود: آرزوی ما تبدیل شدن به بزرگترین مرکز تبادل محتوا در خاورمیانه بود و امید داریم به این روز برسیم. ما با تعریف «مدل اقتصادی»، «شبکه‌سازی بین تولیدکنندگان»، «کار تیمی»، «مقیاس‌پذیر بودن» و «استفاده از ابزار دیجیتال» این راه را آغاز کرده‌ایم و ادامه می‌دهیم.

ذو‌علم به مدل مدیریتی okr در روند کار آژانس ادبی

جواد کلاته عربی، مدیر انتشارات ۲۷ بعثت در سلسله نشست‌های «صبح ناشر»:

به موضوع «زنان در جنگ» نگاه ویژه‌ای داریم

بابایی با عنوان «زمین‌های مسلح» که موضوع کانال کمیل را به دقت بررسی می‌کند؛ همچنین کتاب دیگری در مورد ترورهای دهه ۶۰ که حاصل تحقیقات سخت میدانی سازمان حفظ آثار سپاه و سال‌ها پژوهش و مصاحبه با شاهدان است؛ از سری زندگینامه‌ها چند کتاب را در دست چاپ داریم؛ کتاب دیگری با عنوان «خروج از بن‌بست» از آقای یحیی نیازی را داریم که اولین کارنامه عملیاتی است که به عملیات مسلم و زین‌العابدین می‌پردازد.

وی گفت: در نشر ۲۷ بعثت به بحث زنان در جنگ و تولیدات جدی آنها نگاه ویژه‌ای داریم که زن را نه فقط به عنوان همسر شهید و در نگاه بالاتر و جریان‌ساز داشته باشیم که تنها با نگارش خاطرات زنانی که در جنگ مسئولیت داشتند و سوژه‌یابی در این حوزه به سرانجام می‌رسد.

یک قالب رسیدند اما نسبت به ارتقای خود تلاش می‌کنند. وی با اشاره به این‌که کلاس‌های آموزش نویسندگی کارکرد درستی ندارند افزود: من کارکرد کلاس آموزش نویسندگی را متوجه نمی‌شوم. کسی که در این کلاس‌ها شرکت می‌کند نمی‌داند چه چیزی را می‌خواهد آموزش ببیند. گاهی فرد به ادبیات مستندنگاری علاقه‌مند است اما در کلاس رمان نویسی شرکت می‌کند و این به شدت به فرد نویسنده آسیب می‌رساند.

کلاته در بخش دیگر صحبت‌های خود در خصوص فعالیت‌های نشر ۲۷ در حوزه چاپ کتاب گفت: کارهای مهمی را در شرف چاپ داریم؛ اثری از آقای گلعلی

به گزارش قفسه کتاب، اولین جلسه سری جدید نشست‌های «صبح ناشر» با حضور جواد کلاته عربی مدیر انتشارات ۲۷ بعثت در مرکز رسانه‌ای شیرازه برگزار شد. وی در خصوص فعالیت‌های نشر ۲۷ افزود: در بحث حضور زنان در جبهه‌ها به صورت جدی کار کردیم و به دنبال روایت‌های کمتر دیده شده هستیم.

معتقدم افرادی که شروع به قلم زدن در این حوزه می‌کنند قبل از چاپ کتاب باید آموزش ببینند ما هم دوره‌های آموزش مستندنگاری را در نشر ۲۷ راه‌اندازی کردیم و استقبال می‌کنیم که ادامه پیدا کند چرا که نویسندگان نیاز به ارتقا دارند. کلاته گفت: بهترین کتاب‌های مادر دفاع مقدس هم نقص دارند بنابراین همه نویسندگان نیازمند به روز شدن هستند؛ نویسندگان بزرگ هم اگر چه به

نقد کتاب «سفر پرماجرا» در فرهنگسرای گلستان برگزار شد

بیهوشی موقت برای کسب تجربه

درواقع داستان کوتاه بلند است. گفت: خانم دارابی در این کتاب، داستان کوتاهی نوشته که موقعیت‌های محدودی داشته و شخصیت‌ها پیچیدگی رمان بلند را ندارند، اما صحنه‌ها را با توصیف بیشتری نوشته و شخصیت‌ها را در عین وحدت زمان و مکان، به خوبی شرح داده است. این نویسنده کودک و نوجوان، به گره‌افکنی و گره‌گشایی داستان اشاره کرد و گفت: نویسنده کتاب، بیهوشی، تمهید نویسنده برای کسب تجربه توسط نیماست، نیمایی که به علت لکنت زبان، از جمع فاصله می‌گیرد و نمی‌خواهد با دنیای بیرون تعامل داشته باشد. امپاس از رفتن به دل تاریخ و دوران

به گزارش قفسه کتاب، کتاب «سفر پرماجرا» نوشته لیلادارابی که به همت نشر صاد منتشر شده، با حضور علی‌کاشفی خوانساری و تعدادی از نویسندگان کودک و نوجوان و مخاطبان نقد و بررسی شد.

در این مراسم سیدعلی کاشفی خوانساری گفت: وقتی رمان «تصویر آخر از پیدایش» اثر خانم دارابی را پیش از چاپ خواندم، شاهد تولد نویسنده‌ای با استعداد و حرفه‌ای بودم. مطمئناً این کتاب نیز خوانندگان خودش را در میان قشر نوجوان پیدا کرده و شاهد موفقیت‌های بیشتر این نویسنده خواهیم بود.

کاشفی سپس در توضیح این‌که کتاب «سفر پرماجرا»



شاه‌عباس صفوی، با تجربه‌ای که از دل رویا به دست آورده، پذیرای نقطه ضعف خودش می‌شود. کاشفی با ذکر این نکته که البته نویسنده می‌توانست در دل سفر به تاریخ، علت تاریخی یک واقعه مربوط به همان زمان را هم برای بچه‌ها بیان کند، افزود: اگر این اتفاق می‌افتاد، حتماً کتاب به درجه‌عالی‌تری دست پیدا می‌کرد؛ هرچند به هر حال کتاب به خوبی توانسته به قشر نوجوان بفهماند، یک نقطه منفی با نقطه ضعف در زندگی نباید مانع پیشرفت و تعامل او با دنیا شود.